

بررسی اعجاز علمی قرآن از دیدگاه دکتر طاهر القادری*

محمدعلی رضایی اصفهانی** و محمدنظیر عرفانی***

چکیده

اعجاز علمی قرآن آن است که نکته علمی که در موردش ادعای اعجاز شده، به روشنی از آیه فهمیده شود و دال بر رازگویی علمی باشد؛ یعنی از اخبار غیبی بوده و در زمان نزول قرآن، آن مسئله مطرح نبوده و بعدها کشف شود.

دکتر محمد طاهر القادری از علمای برجسته اهل سنت پاکستان در آثار خویش به تفسیر علمی آیات قرآن پرداخته است. از دیدگاه ایشان نظرات قرآن با علم روز، هماهنگ و جامعیت قرآن در همه زمینه‌هاست؛ لذا تمام علوم و فنون در قرآن وجود دارد. در نوشتار حاضر بعد از بررسی دیدگاه ایشان در تفسیر علمی، یازده مورد از تفاسیر علمی ایشان در حوزه علوم طبیعی بررسی و نقد شده است. با توجه به شرایط اعجاز علمی، موارد صحیحی که ایشان در ارتباط مطالب علمی قرآن بیان کرده‌اند، بحث حرکات خورشید است و مطالب ایشان پیرامون با انفجار بزرگ، مراحل شش‌گانه خلقت، گسترش جهان، آسمان‌های هفت‌گانه، تاریک شدن ستارگان و نور ماه، از شگفتی‌های علمی قرآن می‌باشند. مطالب مربوط به سیاه چاله، سیاره، سفر به ماه، بیضوی شکل بودن زمین، از موارد غیر صحیح در دیدگاه ایشان که تطبیق و تحمیل نظریات علمی بر قرآن می‌باشد.

واژگان کلیدی: قرآن، محمد طاهر القادری، تفسیر علمی، کیهان‌شناسی.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۲/۱۴ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۶/۶/۵.

** استاد جامعه المصطفی العالمیه و عضو هیئت علمی پارموقت مرکز پژوهشی قرآن کریم المهدی rezaee@quransc.com

*** دانش‌پژوه دکترای قرآن و علوم اجتماعی جامعه المصطفی العالمیه (نویسنده مسئول) Mna8181@yahoo.com

مقدمه

قرآن کریم برای تربیت و هدایت انسان‌ها از طرف خداوند متعال نازل شده و از جهات متعددی اعجاز گونه است. یکی از ابعاد اعجاز قرآن، مطالب علمی آن است که توجه بسیاری از قرآن‌پژوهان را در اثر رشد علوم تجربی و نیز تلاش اندیشمندان اسلامی در تطابق علم و دین با هم به خود جلب نموده است، نتیجه اعجاز علمی، علاوه بر اثبات صدق نبوت پیامبر ﷺ موجب اثبات عدم تعارض علم و دین، خودباوری مسلمانان و تفکر انسان در طبیعت می‌گردد. ادعاهای زیادی در مورد وجود مطالب علمی در قرآن بیان شده است. از جمله اندیشمندان معاصر که توجه ویژه‌ای به وجود مطالب علمی در قرآن نموده، دکتر محمد طاهر القادری است که در تألیفات خویش، به ویژه در تفسیر «منهاج القرآن» و کتاب «اسلام و علم جدید»، به تفسیر علمی آیات قرآن اقدام نموده است. در این نوشتار به بررسی دیدگاه ایشان در حوزه علوم طبیعی (کیهان‌شناسی) می‌پردازیم.

اول: مفهوم شناسی

۱. اعجاز علمی

مراد از اعجاز علمی در قرآن، این است که نکته علمی که در موردش ادعای اعجاز شده، به روشنی از آیه فهمیده شود و آن نکته علمی در عصر نزول قرآن با اسباب عادی قابل دسترسی نباشد. همچنین صحت آن گزاره علمی، بعد از نزول قرآن کشف شود و کسی پیش از نزول قرآن، به آن اشاره نکرده باشد و اگر قبل از نزول قرآن، به صورت قولی نادر مطرح بوده، شگفتی قرآنی است نه اعجاز قرآن (رضایی اصفهانی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ۱۳۸۱: ۸۵/۱).

۲. دکتر طاهر القادری

دکتر محمد طاهر القادری از علمای اهل سنت پاکستان در سال ۱۹۵۱م. در ایالت پنجاب شهر جهنگ به دنیا آمد. در سال ۱۹۸۶م. درجه دکترای خویش را در رشته حقوق از دانشگاه پنجاب گرفت. وی استاد و عضو هیئت علمی رشته حقوق در همین دانشگاه و قاضی و مشاور داده‌گاه عالی پاکستان بود. دکتر طاهر القادری رئیس مؤسسه «تحریک منهاج القرآن» می‌باشد. این مؤسسه در ۸۰ کشور دارای دانشگاه و کالج است و در پاکستان پنج دانشگاه و یک صد کالج و بیش از هزار دبیرستان و ده هزار دبستان و ده ها کتابخانه دارد. همچنین ایشان رئیس حزب سیاسی با عنوان «پاکستان عوامی تحریک» می‌باشند (www.minhaj.org).

تألیف ۵۰۷ جلد کتاب به زبان‌های اردو، عربی و انگلیسی و در دست چاپ بودن بیش از ۴۹۳ جلد کتاب در موضوعات گوناگون علوم اسلامی و انسانی از جمله فعالیت‌های علمی ایشان است (www.minhajbooks.com). برخی از مهم‌ترین تألیفات ایشان در حوزه علوم قرآن عبارت‌اند از: ترجمه قرآن با عنوان عرفان القرآن؛ تفسیر منهاج القرآن - که تاکنون تا انتهای سوره بقره کامل گردیده -؛ اسلام اور جدید سائنس (اسلام و علم جدید)؛ تخلیق و توسیع کائنات کا قرآنی نظریه (نظریه قرآنی خلقت و گسترش جهان).

دوم: دیدگاه دکتر القادری در تفسیر علمی قرآن

دکتر طاهر القادری معتقد است تمام علوم و فنون در قرآن وجود دارد و آیات متعددی را شاهد بر آن می‌آورد. ذیل آیه ﴿وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ﴾ (نحل / ۸۹) می‌گوید: اطلاق «شیء» بر همه موجودات و مخلوقات خدا صدق می‌کند؛ بنابراین، تفصیل هر چیز در قرآن است (طاهر القادری، اسلام اور جدید سائنس (اسلام و علم جدید)، ۲۰۰۱: ۲۰۱). گویا در قرآن هر چیز یا به صراحت بیان گردیده یا حداقل به اصول آن اشاره شده است. البته این را هر کس نمی‌تواند درک کند، بلکه هر کس با استعدادی که خدا به او عطا کرده، حقایق قرآن را می‌تواند درک کند (همان، ۲۰۳).

وی معتقد به جامعیت قرآن در همه زمینه‌هاست و ذیل آیه ﴿لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَ مَنَاجِئًا﴾ (مائده / ۴۸) می‌نویسد: چنانکه فقه‌های اسلام تمام اصول وقواعد شئون حیات بشر را از قرآن استخراج کرده‌اند از نظر علوم نیز قرآن جامع و مانع است (همان، ۲۱۷). ایشان قول ابن عربی در کتاب «قانون تأویل» را بیان می‌کند که تعداد علوم قرآنی را ۷۷۴۵۰ عنوان بیان کرده است که به تعداد کلمات کل قرآن است و لذا معلوم می‌گردد که در قرآن کریم از «الحمد لله» تا «و الناس» هر کلمه‌ای که استعمال شده ریشه و اساس یک علم و فن است و گویا هر کلمه‌ای از قرآن علمی یا هنری از آن تولید می‌شود (همان، ۲۰۷-۲۰۹).

وی در جای دیگر بیان می‌دارد با پیشرفت علوم جدید، روزبه‌روز هماهنگی نظرات قرآنی با علم مشخص‌تر می‌شود؛ به گونه‌ای که قرآن را کتابی امروزی و جدید می‌توان به شمار آورد و هر چه علم به کشفیات جدید دست می‌یابد، باز قرآن را از خود جلوتر می‌یابد (همان، ۳۰۲-۳۰۳).

بررسی

برای بررسی دیدگاه دکتر طاهر القادری ابتدا باید به تعریف و تبیین تفسیر علمی پردازیم. تفسیر علمی یک روش تفسیری است که خود دارای روش‌های فرعی متفاوتی است که بعضی سر از تفسیر به رأی در می‌آورد و شماری به تفسیر معتبر و صحیح منجر می‌شود که شامل موارد ذیل می‌باشد:

۱. استخراج همه علوم از قرآن کریم: برخی کوشیده‌اند تا همه علوم را از قرآن استخراج کنند؛ زیرا معتقدند همه چیز در قرآن وجود دارد. این روش، منجر به تأویلات زیاد در آیات قرآن بدون رعایت قواعد ادبی، ظواهر الفاظ و معنای لغوی آنها می‌شود.
۲. تطبیق و تحمیل نظریات علمی بر قرآن کریم: بعضی با مسلم پنداشتن قوانین و نظریات علوم تجربی کوشیده‌اند تا آیاتی موافق آنها در قرآن بیابند و هر گاه آیه‌ای موافق با آن نمی‌یافتند، دست به تأویل یا تفسیر به رأی زده، آیات را بر خلاف معنای ظاهری حمل می‌کردند.
۳. استخدام علوم برای فهم بهتر قرآن: در این شیوه از تفسیر علمی، مفسر با دارا بودن شرایط لازم و با رعایت ضوابط تفسیر معتبر، اقدام به تفسیر علمی قرآن می‌کند. او سعی دارد با استفاده از مطالب قطعی علوم که از طریق دلیل عقلی پشتیبانی می‌شود و با ظاهر آیات قرآن (طبق معنای لغوی و اصطلاحی) موافق است به تفسیر علمی پردازد و معانی مجهول قرآن را کشف نماید. این شیوه تفسیر علمی، بهترین نوع و بلکه تنها نوع صحیح از تفسیر علمی است (رضایی اصفهانی، در آمدی بر تفسیر علمی قرآن، ۱۳۷۱: ۳۸۰).

سوم: قرآن و کیهان‌شناسی

در اینجا برخی دیدگاه‌های طاهر القادری را در مورد موضوعات علمی قرآن بررسی می‌کنیم.

۱. انفجار بزرگ

به گفته دانشمندان، جهان حدود ۱۴ میلیارد سال قبل، از یک انفجار بزرگ یا بیگ بنگ شروع شد. پیش از آن، همه جهان در داخل ذره‌ای قرار داشت. اینکه این ذره چه بوده که با انفجار آن، این کائنات به وجود آمد، علوم تجربی از پاسخ دادن به آن قاصر است، اما قرآن به آن چنین پاسخ می‌دهد: «إِذَا قُضِيَ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (مریم/ ۳۵)؛ «او هرگاه چیزی را فرمان دهد، می‌گوید: «موجود باش!» همان دم موجود می‌شود» (طاهر القادری، اسلام اور جدید سائنس (اسلام و علوم جدید)، ۲۰۰۱: ۳۱۹).

تفسیر علمی در مورد اصطلاح قرآنی (رتق) در قرآن اشاره دارد به اینکه انرژی بی‌نهایت و بسیار زیادی در نقطه‌ای کوچک متمرکز بود که در اثر انفجار آن تمام کائنات به وجود آمدند، قرآن در این مورد می‌فرماید: ﴿إِنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا﴾ (انبیاء/۳۰)؛ آسمانها و زمین به هم پیوسته بودند و ما آنها را از یکدیگر باز کردیم». این آیات بسیار قبل از طرح تئوری بیگ بنگ در قرآن بیان شده‌اند (طاهر القادری، تفسیر منهج القرآن، ۲۰۰۵: ۱/ ۵۶۰).

بررسی

یکی از اندیشمندان درباره آیه ۳۰ سوره انبیاء می‌نویسد: جهان یک قطعه‌ای آتشین رها شده در فضا بود. سپس تحت تأثیر جاذبه شیء عظیم از اجرام سماوی دیگر قرار گرفت و تکه‌تکه شد و به صورت حلزونی درآمد. بعد این اجزاء کوچک کم‌کم سیارات را به وجود آورد (سلیمان، القرآن و العلم، ۱۹۸۱: ۵۳-۵۴). برخی قائل‌اند این آیه خبر می‌دهد که آسمان‌ها چیز واحدی بود و سپس جدا شد و این یکی از معجزات قرآن است که علم جدید آن را تأیید می‌کند (محمد سامی، الاعجاز العلمی فی القرآن الکریم، بی‌تا: ۳۴). سلیم الجابی نیز با طرح نظریه انفجار بزرگ و پس از بررسی لغوی و تفسیری آیه ۳۰ سوره انبیاء به این نتیجه می‌رسد که آیه فوق و نظریه انفجار بزرگ با هم منطبق هستند (الجابی، النظرية القرآنية الكونية حول خلق العالم، بی‌تا: ۱۰۶-۱۱۱).

از ظاهر قرآن و علم برمی‌آید که جهان در ابتدا از گازهای داغ تشکیل شده بود، اما آیات قرآن در باره عناصر دیگر نظریه مهبانگ (مثل انفجار اولیه) مطلب صریحی ندارد و با توجه به تعدد نظریه‌ها در مورد رتق و فتق (ر.ک: مسترحمی، قرآن و کیهان‌شناسی، ۱۳۸۷: ۹۲)، آغاز خلقت و عدم اثبات قطعی آنها، در حال حاضر نمی‌توان هیچ‌کدام را به صورت قطعی به قرآن نسبت داد (رضایی اصفهانی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ۱۳۸۱: ۱۰۴).

۲. مراحل شش‌گانه خلقت کائنات (six periods of creation)

دکتر طاهر القادری می‌نویسد: آیات قرآن به این حقیقت اشاره دارد که خلقت کائنات در شش مرحله به وقوع پیوسته است: ﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ﴾ (یونس/۳)؛ «پروردگار شما خداوندی است که آسمان‌ها و زمین را شش مرحله آفرید» و در جای دیگر می‌فرماید: ﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ... يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِمَّا تَعْدُونَ﴾

(سجده/۴-۵)؛ «خداوند کسی است که آسمان‌ها و زمین و آنچه را میان این دو است، در شش مرحله آفرید... امور این جهان را از آسمان به سوی زمین تدبیر می‌کند. سپس در روزی که مقدار آن هزار سال از سال‌هایی است که شما می‌شمرد، به سوی او بالا می‌رود (و دنیا پایان می‌یابد)».

با توجه به این آیات در می‌یابیم که هستی بی‌جهت به وجود نیامده، بلکه وجود آن نتیجه اراده و قدرت خداوند است و خلقت کائنات در شش مرحله بوده که در هر مرحله ارتقا یافته است (طاهر القادری، اسلام اور جدید سائنس (اسلام و علم جدید)، ۲۰۰۱: ۳۸۹).

با توجه به اینکه در این آیات واژه «یوم» برای مراحل به کار رفته، باید گفت مراد قرآن از «یوم» هرگز به معنای روز نیست که از طلوع تا غروب خورشید امتداد دارد، زیرا در دوران خلقت کائنات طلوع و غروب خورشید محال بوده است؛ لذا «یوم» در قرآن برای زمانی که مدتش متغیر است (دوران) استعمال می‌شود، چنانچه که می‌فرماید: ﴿يَوْمَ كَانَ مَقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ﴾ (سجده/۵)؛ «روزی که مقدار آن هزار سال از سال‌هایی است که شما می‌شمرد» و ﴿يَوْمَ كَانَ مَقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ﴾ (معارف/۴)؛ «آن روزی که مقدارش پنجاه هزار سال است» (همان، ۳۹۰).

در سوره فصلت خداوند می‌فرماید: ﴿فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَزَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَحِفْظًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ﴾ (فصلت/۱۲)؛ «در این هنگام آنها را به صورت هفت آسمان در دو روز آفرید و در هر آسمانی کار آن (آسمان) را وحی (و مقرر) فرمود و آسمان پایین را با چراغ‌هایی [ستارگان] زینت بخشیدیم و محفوظ بنا نهادیم. این است تقدیر خداوند توانا و دانا».

دکتر القادری می‌نویسند: با توجه به لفظ «یومین» در این آیه باید متذکر شویم که از منظر قرآن خلقت کائنات و هستی در دو مرحله کلی صورت گرفته است که مجموعاً این دو شامل شش مرحله بوده است؛

۱۰۶

یعنی خلقت هستی شامل دو مرحله کلی است: مرحله ما قبل ظهور حیات و مرحله ما بعد ظهور حیات. این آیه دو مرحله از مراحل ما قبل ظهور حیات را بیان کرده است (طاهر القادری، نظریه قرآنی خلقت و گسترش جهان، ۲۰۰۴: ۱۳۷).

همچنین آیه مشتمل بر این نکات است: وجود هفت آسمان یا هفت هستی، تشکیل هستی، اعطای نظام خاص به هر آسمان (طاهر القادری، اسلام اور جدید سائنس (اسلام و علم جدید)، ۲۰۰۱: ۳۹۸-۴۰۰).

بررسی

با توجه به آیات قرآن، خداوند مجموعه زمین و آسمان را در شش دوران متوالی آفریده است، هر چند این دوران‌ها گاهی به میلیون‌ها یا میلیارد‌ها سال بالغ شده است و علم امروز هیچگونه مطلبی را که مخالف این موضوع باشد بیان نکرده است؛ مراحل آفرینش جهان، به طور اجمال، قبل از نزول قرآن در کتاب‌هایی مانند تورات (کتاب مقدس، سفر تکوین، فصل اول و دوم) نیز مطرح بود و مردم جزیره العرب که با یهودیان رابطه داشتند، به طور طبیعی، از آن مطلع بودند. از طرفی تقسیم‌بندی مراحل آفرینش، امری نسبی و با توجه به اعتبارهای گوناگون است (رضایی اصفهانی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ۱۳۸۱: ۱/ ۱۲۸). به همین جهت «سنة ایام» قابل تطبیق بر تقسیم‌بندی علمی ویژه‌ای نیست.

۳. نظریه گسترش جهان (theory of relativity)

در مورد نظریه گسترش جهان، دکتر طاهر القادری معتقدند منشأ آن، نظریه نسبیت عمومی انشتین است و سرعت نور بیشترین سرعتی است که هر جسم مادی می‌تواند داشته باشد. رسیدن به این سرعت انرژی بسیار زیاد می‌خواهد. به دلیل تورم ناگهانی کیهان در لحظه مهبانگ و همچنین در اثر انرژی تاریک، شتاب انبساط کیهان ما (راه شیری) افزایش می‌یابد. بیشتر کهکشان‌ها در کیهان در حال دور شدن از ما هستند. کهکشان ما نیز به همین دلیل در حال دور شدن از سایر کهکشان‌هاست و این تئوری اینشتین هماهنگ با آیات قرآن است (طاهر القادری، تفسیر منهج القرآن، ۲۰۰۵: ۱/ ۶۳۰) که می‌فرماید: ﴿وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا يَافِدًا وَإِنَّا مُوسِعُونَ﴾ (ذاریات/ ۴۷): «و ما آسمان را به وسیله قدرت (انرژی) بنا کردیم و همواره آن را وسعت پذیر قرار دادیم».

بررسی

دانشمندان معتقدند پس از انفجار بزرگ، اجزای تشکیل‌دهنده عالم از هر سو پراکنده شد و این حرکت در جهات مختلف ادامه دارد (رضوی، آغاز و انجام جهان، بی‌تا: ۷۵). آنان با تجزیه نور ستارگان، این نظریه علمی را تا حد زیادی تقویت کرده‌اند (جعفری، فرهنگ بزرگ

گیتاشناسی (جغرافیا)، ۱۳۷۹: ۱۳۸). با توجه به اینکه این مطلب علمی در صدر اسلام برای مردم و دانشمندان نجوم روشن نبود و حتی تا قرن هفدهم دانشمندان بزرگی مثل نیوتن تمایل به دیدگاه ایستا بودن جهان و انقباض آن شدند و در نهایت، در سال ۱۹۲۹م. نظریه انبساط جهان توسط ادوین هابل (ستاره‌شناس آمریکایی) اعلام شد (امیددانی، فیزیک ستارگان در قرآن، مجله بینات، ۱۳۸۱: ۳۵/۱۸۶). انشتین، سلیفر و هابل از جمله کسانی‌اند که بر گسترش دائم آفرینش و کهکشان‌ها تأکید دارند (شریف، من علم الفلك القرآنی، ۱۹۹۳: ۳۳).

پس می‌توانیم بگوییم که این رازگویی قرآن که با جدیدترین یافته‌های علوم تجربی مطابق است، عظمت قرآن و پیامبر ﷺ را می‌رساند. اگر نظریه گسترش جهان به صورت قطعی اثبات شود، اعجاز علمی قرآن را اثبات می‌کند؛ همچنان که برخی آن را اعجاز علمی دانسته‌اند (محمد سامی، الاعجاز العلمی فی القرآن، بی‌تا: ۳۵؛ محمد کامل، الاعجاز العلمی فی الاسلام، ۱۴۱۷: ۵۵؛ راتب النابلسی، موسوعة الاعجاز العلمی فی القرآن، ۱۴۲۵: ۴۹)، ولی با توجه به اینکه نظریه‌های علمی همیشه پا بر جا نیست و احتمال خطا و تغییر در آنها وجود دارد، نمی‌توان به طور قطعی نظریه گسترش جهان را به قرآن نسبت داد و اعجاز علمی آن را نتیجه گرفت، بلکه حداکثر می‌توان گفت ظاهر این آیه از قرآن با نظریه گسترش جهان هماهنگی دارد و تا وقتی این نظریه پا بر جاست، می‌تواند یکی از معانی و تفسیرهای آیه به شمار آید (رضایی اصفهانی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ۱۳۸۱: ۱/۱۴۷-۱۴۸).

۴. هفت آسمان

قرآن در باره هفت آسمان می‌فرماید: «فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَ زَيَّأَ السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ» (فصلت/۱۲)؛ «در این هنگام آنها را به صورت هفت آسمان در دو دوره آفرید و در هر آسمانی احکام متعلق به آن را مقرر فرمود و آسمان پایین را با ستارگان زینت بخشیدیم».

دکتر طاهر القادری در بیان مراد از هفت آسمان احتمال می‌دهد منظور، طبقات متراکم هوای اطراف زمین باشد یا اینکه هفت آسمان که با فاصله‌های معین از همدیگر واقع شده‌اند (طاهر القادری، نظریه قرآنی خلقت و گسترش جهان، ۲۰۰۴: ۱۲۶) و اینکه عدد هفت در اینجا می‌تواند به معنای همان عدد ریاضی (عدد مخصوص) باشد و همچنین طبق قواعد لغت عرب می‌تواند عدد تکثیری به معنی تعداد زیاد و فراوان باشد (طاهر القادری، اسلام اور جدید سائنس (اسلام و علم جدید)، ۲۰۰۱: ۳۴۶).

بررسی

در اینکه مقصود از آسمان‌های هفتگانه چیست، مفسران و دانشمندان اسلامی بیانات گوناگونی دارند و تفسیرهای مختلفی کرده‌اند:

۱. بعضی آسمان‌های هفتگانه را همان سیارات سبع می‌دانند (عطارد، زهره، مریخ، مشتری، زحل، و ماه و خورشید) که به عقیده دانشمندان فلکی قدیم جزء سیارات بودند (فخر رازی، تفسیر الکبیر، ۱۴۱۱: ۱/ ۱۵۶).

۲. برخی با اشاره به برخی اکتشاف‌های جدید درباره کهکشان‌ها موضوع هفت آسمان را از معجزه‌های علمی قرآن شمرده‌اند (پاک‌نژاد، اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ۱۳۵۰: ۱/ ۱۱۱).

۳. بعضی نیز قائل‌اند عدد هفت در اینجا به معنای همان عدد ریاضی (عدد مخصوص) نیست، بلکه عدد تکثیری است که به معنی تعداد زیاد و فراوان می‌باشد (طنطاوی، تفسیر الجواهر، بی‌تا: ۱/ ۴۶)، و این در کلام عرب و حتی قرآن نظایر قابل ملاحظه‌ای دارد؛ مثلاً در آیه ﴿وَلَوْ أَنَّمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ﴾ (لقمان / ۲۷)؛ «اگر درختان زمین قلم گردند و دریا مرکب، و هفت دریا بر آن افزوده شود، کلمات خدا را نمی‌توان با آن نوشت» به خوبی روشن است که منظور از لفظ «سبعة» عدد مخصوص هفت نیست، بلکه اگر هزاران هزار دریا نیز مرکب گردد، نمی‌توان علم بی‌پایان خداوند را با آن نگاشت؛ بنابراین، سماوات سبع اشاره به آسمان‌های متعدد است بی‌آنکه عدد خاصی از آن منظور باشد.

۴. آنچه صحیح‌تر به نظر می‌رسد، این است که مقصود از سماوات سبع همان معنی واقعی آسمان‌های هفتگانه است. تکرار این عبارت در آیات مختلف قرآن نشان می‌دهد که عدد سبع در اینجا به معنی تکثیر نیست، بلکه اشاره به همان عدد مخصوص است (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۳: ۱/ ۱۶۷).

با توجه به مطالبی که بیان شد، می‌توان گفت: تمام کرات و سیاراتی را که می‌بینیم، همه جزء آسمان اول است و شش عالم دیگر وجود دارد که از دسترس دید ما و ابزارهای علمی امروز بیرون است؛ چه قرآن این باره می‌فرماید: ﴿وَزَيَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ﴾ (فصلت / ۱۲)؛ «ما آسمان پایین را با چراغ‌های ستارگان زینت دادیم». در جای دیگر می‌فرماید: ﴿إِنَّا زَيَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ﴾ (صافات / ۶)؛ «ما آسمان پائین را با کواکب و ستارگان زینت بخشیدیم».

از این آیات استفاده می‌شود که همه آنچه را ما می‌بینیم و جهان ستارگان را تشکیل می‌دهد همه جزء آسمان اول است، و در ماورای آن شش آسمان دیگر وجود دارد که ما در حال حاضر اطلاع دقیقی از جزئیات آن نداریم و ممکن است علوم از روی آن در آینده پرده بردارد (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۳: ۱/ ۱۶۸).

۵. تاریخ شدن ستارگان

در آیات قرآن الفاظ «النجوم» و «المصابیح» برای ستارگان به کار رفته است: ﴿وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ الْمُسَخَّرَاتُ بِأَمْرِهِ﴾ (اعراف/ ۵۴)؛ «خورشید و ماه و ستارگان را آفرید که مسخر فرمان او هستند».

طاهر القادری توازن موجود در بین جمیع ستارگان، رعایت فواصلی که بین آنها وجود دارد و پابندی آنها به نظمی که خداوند در بین آنها قرار داده، موجب شده تا کائنات از نابودی و فنا دور باشد و وقوع قیامت هم می‌تواند با انحراف ستارگان از مسیر خود و عدم پابندی به نظم و فواصل میانشان شکل گیرد که شواهد قرآنی نیز این مطلب را تأیید می‌کند: ﴿وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ﴾ (تکویر/ ۲)؛ «و در آن هنگام که ستارگان بی‌فروغ شوند» و ﴿فَإِذَا النُّجُومُ طُمِسَتْ﴾؛ «در آن هنگام که ستارگان محو و تاریک شوند».

آخرین مرحله زندگی ستارگان همان بی نور شدن آنهاست که قرآن به آن اشاره کرده است (طاهر القادری، اسلام اور جدید سائنس (اسلام و علم جدید)، ۲۰۰۱: ۲۷۸).

بررسی

ژان گیتون و دو فیزیکی‌دان دیگر در کتاب «خدا و علم» می‌نویسند: اگر جرم کلی جهان فوق یک حد نهایی مطلوب باشد، آن گاه در انتهای زمانی کم و بیش دراز، مرحله انبساط به پایان خواهد رسید. در این صورت، ممکن است که یک انقباض جدید، عالم را به نقطه ابتدایی خود بازگرداند. آن گاه ماده تشکیل دهنده کهکشان‌ها، ستارگان و کرات تا درجه‌ای فشرده خواهد شد که دوباره مبدل به یک نقطه ریاضی حذف کننده فضا و زمان شود (نصر، علوم و تمدن در اسلام، ۱۳۹۴: ۷۰).

قرآن کریم قیامت را پایان جهان و آغاز جهانی دیگر معرفی می‌کند این کتاب آسمانی در آیات متعددی سخن از حوادثی می‌گوید که در آستانه قیامت رخ می‌دهند و برخی از آنها نشانه‌های قیامت شمرده می‌شوند که در قرآن نیز مورد اشاره قرار گرفته‌اند؛ از جمله مرگ

ستارگان و خورشید و ستارگان (تکویر / ۱-۲) و به ریختن نظام فعلی آسمان و ستارگان (انفطار / ۱-۲ و نیز انشقاق / ۱؛ حاقه / ۱۶؛ فرقان / ۲۵؛ مرسلات / ۹؛ طور / ۹). این موارد از جمله شگفتی‌های علمی قرآن می‌باشند.

۶. سیاه چاله (black hole)

سیاه چاله که از یک سطح به صورت چاه عمل می‌کند و در سطح دیگر همچون چشمه است؛ یعنی می‌تواند دو سطح مختلف فضا زمان را از جهان‌های گوناگون یا دو نقطه بسیار دور از جهان فعلی را به هم متصل کند. هر چه ستاره نوترونی بزرگ‌تر باشد کشش جاذبه‌ای داخلی آن نیز بیشتر خواهد بود. اوپن هایمر فکر کرد که نوترون‌ها نمی‌توانند در برابر همه چیز مقاومت کنند. به نظر او اگر یک چیز در حال از هم پاشیدن، بزرگ‌تر از ۲.۳ برابر اندازه خورشید بود، آنگاه نه تنها الکترون‌ها بلکه نوترون‌های آن نیز در هم می‌شکست. وقتی نوترون‌ها در هم شکستند، دیگر هیچ چیز مطلقاً وجود ندارد که از هم پاشیدن ستاره جلوگیری کند (طاهر القادری، اسلام اور جدید سائنس (اسلام و علم جدید)، ۲۰۰۱: ۲۸۰).

خداوند نیز در قرآن با توجه به اهمیت این گونه از ستارگان به آنها قسم خورده است: ﴿فَلَا أَقْسِمُ بِمَوَاقِعِ الْمُجُومِ﴾ (واقعہ / ۷۵)، «سوگند به جایگاه ستارگان (و محل طلوع و غروب آنها)!».

دکتر قادری، جایگاه ستارگان و محل غروب آنها را همان سیاه چاله می‌دانند که تمامی ستارگان بعد از مرگ به آن تبدیل می‌شوند و اینکه سبب شده قرآن به آن قسم یاد کند این است که سیاه چاله‌ها طبق قوانین شناخته شده فیزیک عمل نمی‌کنند و می‌توان آنها را گذرگاه‌هایی دانست برای رفتن به جهان دیگر و هنوز پاسخ سؤالاتی همچون اینکه آن جهان دیگر چیست؟ ماهیت آن و جایگاه آن و ... مشخص نمی‌باشد (همان، ۲۸۲).

بررسی

مفسران در مورد «مواقع النجوم» تفسیرهای متعددی ذکر کرده‌اند:

۱. جایگاه ستارگان و مدارات و مسیر آنها؛
۲. محل طلوع و غروب آنها؛
۳. سقوط ستارگان در آستانه رستاخیز و قیامت؛
۴. غروب ستارگان؛

- بعضی هم به پیروی پاره‌ای از روایات آن را اشاره به نزول قسمت‌های مختلف قرآن در فواصل زمانی متفاوت می‌دانند؛ زیرا نجوم جمع نجم، در مورد کارهای تدریجی به کار می‌رود (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۳: ۲۳/ ۲۶۵).
 گرچه منافاتی بین این معانی نیست و ممکن است همه در آیه فوق جمع باشد، تفسیر اول از همه مناسب‌تر به نظر می‌رسد و تطبیق آن با سیاه چاله صحیح نیست.

۷. حرکات خورشید

حرکت زمین به دور خورشید اولین بار توسط فیثاغورث بیان شد و از میان مسلمانان زرقانی در ۱۰۸۰ م. نظریه ساکن بودن خورشید و حرکت زمین به دور آن را طرح نموده خداوند حرکت خورشید را در قرآن بیان کرده است (طاهر القادری، اسلام اور جدید سائنس (اسلام و علم جدید)، ۲۰۰۱: ۲۸۷): «وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ» (یس / ۳۸)؛ «و خورشید (نیز برای آنها آیتی است) که پیوسته به سوی قرارگاهش در حرکت است. این تقدیر خداوند قادر و داناست».
 خورشید ساکن نیست و دارای حرکات مختلفی است؛ از جمله حرکت انتقالی که همراه با منظومه شمسی حرکت می‌کند و حرکتی انتقالی دیگری که به همراه منظومه شمسی به دور مرکز کهکشان می‌گردد (همان).

بررسی

در مورد انطباق حرکات‌های خورشید با آیه مورد بحث تذکر چند نکته لازم است:
 ۱. سه احتمال در کلمه «مستقر» وجود دارد: مصدر میمی، اسم مکان، اسم زمان (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۹: ۱۷/ ۸۹). همچنین چند احتمال در معنای لام «لمستقر» وجود دارد: به معنی الی (همان، ۷۹)، فی (شهرستانی، اسلام و هیئت، بی‌تا: ۱۸۴) و غایه (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۹: ۱۷/ ۸۹). همچنین در مورد کلمه «جریان» چهار احتمال وجود دارد: حرکت انتقالی طولی، حرکت وضعی، ادامه حیات زمانی و حرکت درونی خورشید.

در اثر ضرب این احتمالات در یک دیگر عدد ۳۶ حاصل می‌شود؛ یعنی ۳۶ احتمال در معنای آیه متصور است و ممکن است در واقع همه این احتمالات مراد آیه باشد.

پس این احتمال هم وجود دارد که «جریان» (حرکت) دیگری هم برای خورشید وجود داشته باشد که کشف نشده و آن هم مراد باشد؛ از این رو، نمی‌توان به طور قطعی گفت مقصود آیه یکی از این احتمالات است و احتمالات (شناخته شده یا کشف نشده) دیگر را نفی کرد (رضایی اصفهانی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ۱۳۸۱: ۱/ ۱۶۸). البته ظاهر آیات (یس/ ۳۷-۴۰) همان معنای حرکت دورانی خورشید در یک مدار ثابت است که با واژه «یسبحون» در ذیل آیه تأیید می‌شود (رضایی اصفهانی، علوم قرآن، ۱۳۹۲: ۲/ ۲۹۰).

۲. حرکت انتقالی خورشید به طرف یک مکان نامعلوم را می‌توان از کلمه «لمستقر» استفاده کرد، اما تعیین این مکان (ستاره وگا یا ...) و یا تحمیل آن بر آیه قرآن صحیح به نظر نمی‌رسد چرا که تعیین قطعی این مکان مشخص نیست؛ لذا نمی‌توان مکان‌های حدسی را به قرآن نسبت داد.

۳. اشارات صریح قرآن به حرکت خورشید (هر کدام از معانی حرکت و جریان را که در نظر بگیریم)، از مطالب علمی قرآن و نوعی رازگویی است. چون قرآن کریم زمانی سخن از مدار (فلک) خورشید و جریان و حرکت واقعی آن گفته که هیئت بطلمیوسی فقط همین حرکت کاذب را به رسمیت می‌شناخت و این مطلب عظمت علمی قرآن و آورنده آن (پیامبر اسلام ﷺ) را نشان می‌دهد (رضایی اصفهانی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ۱۳۸۱: ۱/ ۱۶۹).

۴. در مورد اینکه آیا این اشارات علمی قرآن اعجاز علمی آن را اثبات می‌کند یا خیر؟ می‌توان تفصیل قائل شد، یعنی بگوییم بخشی از این حرکات‌ها قبلاً توسط کتاب مقدس گزارش نشده بود و توسط قرآن، برخلاف هیئت بطلمیوسی بیان شد که در این صورت، اعجاز علمی قرآن است.

قسم اول یعنی بخشی که کتاب مقدس خبر داده، همان جمله‌ای است که می‌گوید: و «خورشید» مثل پهلوان از دویدن در میدان شادی می‌کند (کتاب مقدس، کتاب مزامیر، زبور داود، مزمور نوزدهم ۱۹۹۴: ۵). از این جمله فقط حرکت انتقالی دورانی خورشید استفاده می‌شود؛ چون پهلوانان در میدانی به طرف جلو و به صورت دورانی می‌دوند.

اما حرکات‌های دیگر مثل حرکت انتقالی طولی، حرکت وضعی، حرکت زمانی و حرکت درونی خورشید از ابتکارات قرآن است که اعجاز علمی آن را ثابت می‌کند (رضایی اصفهانی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ۱۳۸۱: ۱/ ۱۶۹).

۸. سیاره (planet)

تمام اجرام آسمانی که در یک منظومه مداری قرار دارند، تحت تأثیر جاذبه‌ای دو جانبه به دور یک جرم مشترک مرکزی می‌چرخند؛ همچون منظومه شمسی که سیارات آن به ترتیب فاصله از خورشید عبارت‌اند از: عطارد (تیر)، زهره (ناهید)، زمین، مریخ، مشتری، زحل، اورانوس، نپتون و پلوتو.

دکتر طاهر القادری بیان می‌دارد که قرآن برای اشاره به منظومه شمسی تعبیر «سما» الدنیا را به کار می‌برد: ﴿إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ﴾ (صافات/ ۶)؛ «ما آسمان نزدیک [پایین] را با ستارگان آراستیم».

در این آیه، خداوند سیارات منظومه شمسی را با عنوان آسمان دنیا (نزدیک‌ترین آسمان به زمین) می‌نامد (طاهر القادری، اسلام اور جدید سائنس (اسلام و علم جدید)، ۲۰۰۱: ۲۹۱). همچنین قرآن در مورد گردش سیارات در مدار خودشان می‌فرماید: ﴿وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ﴾ (یس/ ۴۰)؛ «و هر کدام در مسیر خود شناورند». اینکه هر یک از سیارات، ستارگان و اجرام فلکی در کائنات تا مدت زمان معینی در حال گردش هستند. این حرکت عارضی و موقتی را قرآن این گونه بیان کرده است (همان، ۲۹۲): ﴿كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى﴾ (رعد/ ۲)؛ «هر کدام تا زمان معینی حرکت دارند».

بررسی

با توجه به کاربرد لغوی سماء در آیات قرآن که به معنای مکان سیارات و ستارگان است، مراد از «سما» الدنیا آسمان اول می‌باشد (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۳: ۲۰/ ۲۲۹) که اجرام آسمانی قابل مشاهده در آن جای دارند؛ لذا اینکه طاهر القادری آن را بر سیاره منظومه شمسی اطلاق نموده صحیح نیست.

آیه ۴۰ سوره یس که مورد استناد وی در مورد گردش سیارات است، ناظر به حرکت دورانی خورشید به دور کهشکان می‌باشد و مقصود از «أَجَلٍ مُّسَمًّى» آن است که نظام حرکتی منظومه شمسی جاودانی نیست و با تمام شدن ذخایر خورشید، روزی این نظم و حرکت به پایان می‌رسد و خداست که این امور را تدبیر می‌کند و برای حرکت هر کدام زمان خاصی مشخص کرده است (رضایی اصفهانی، تفسیر قرآن مهر، ۱۳۸۷: ۱۰/ ۱۹۸)؛ لذا آیات مورد استناد وی ربطی به بحث سیارات ندارد.

۹. نور ماه

ماه نسبت به دیگر اجرام سماوی در قرآن بیشتر ذکر شده و خداوند به آن قسم یاد کرده است (مدثر / ۳۲). روشنایی و نور ماه از خودش نیست، بلکه در واقع، ماه منعکس کننده نور خورشید است و نور را از خورشید می گیرد. این نکته را قرآن در چهارده قرن قبل برخلاف نظرات رایج علوم یونانی مطرح نموده و از خورشید به عنوان روشن کننده و از ماه به عنوان روشن شونده یاد کرده است که علوم جدید در عصر حاضر به آن دست یافته است (طاهر القادری، اسلام اور جدید سائنس (اسلام و علم جدید)، ۲۰۰۱: ۳۰۹): «هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَ الْقَمَرَ نُورًا» (یونس / ۵)؛ «او کسی است که خورشید را روشنایی و ماه را نور قرار داد».

بررسی

در بیان تفاوت ضیاء و نور دیدگاه های مختلفی وجود دارد: بعضی هر دو را مترادف و به یک معنی دانسته اند و برخی گفته اند: ضیاء که در مورد نور خورشید در آیه فوق به کار رفته، همان نور قوی است، اما کلمه نور که در باره ماه به کار رفته، نور ضعیف تر است. سومین نظر این است که ضیاء به معنی نور ذاتی است، ولی نور مفهوم اعمی دارد که ذاتی و عرضی را هر دو شامل می شود؛ بنابراین، تفاوت تعبیر در آیه فوق اشاره به این نکته است که خداوند خورشید را منبع جوشش نور قرار داده، در حالی که نور ماه جنبه اکتسابی دارد و از خورشید سرچشمه می گیرد. این تفاوت با توجه به پاره ای از آیات قرآن صحیح تر به نظر می رسد (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۳: ۸/ ۲۲۶)؛ زیرا قرآن می فرماید: «وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَ جَعَلَ الشَّمْسُ سِرَاجًا» (نوح / ۱۶).

باتوجه به معنای «ضوء» که نور ذاتی و «نور» که نور عارضی است (احمد ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ۱۴۰۴: ذیل واژه)، برخی قائل به اعجاز علمی بودن این مطلب شده اند (حجازی، التفسیر الواضح، بی تا: ۳۴-۳۵)، اما دانشمندان از دوران های پیش از اسلام با توجه به پدیده خسوف به عارضی بودن نور ماه پی برده بودند و نور و گرمابخشی خورشید باعث می شد آن را همچون چراغ بدانند؛ لذا در این مورد نمی توان ادعای اعجاز نمود (مسترحمی، اعجاز نجومی قرآن، مجله قرآن و علم، ۱۳۸۹: ۷/ ۱۲۴).

۱۰. سفر به ماه

دکتر طاهر القادری سفر انسان به ماه را با عنوان تسخیر ماهتاب یاد آورد شده و آن را منطبق بر برخی آیات قرآن می داند که خداوند قدرت تسخیر کائنات و فضا را به مخلوقاتش

داده است: ﴿يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ﴾ (الرحمن / ۳۳)؛ «ای گروه جن و انس! اگر می‌توانید از مرزهای آسمان‌ها و زمین بگذرید، پس بگذرید، ولی هرگز نمی‌توانید مگر با نیرویی (فوق العاده)».

وی اظهار می‌دارد که در سال ۱۹۶۹م. سه فضانورد آمریکایی موفق شدند بر سطح ماه قدم بگذارند، در حالی که قرآن از سفر به ماه قرن‌ها قبل این‌گونه یاد کرده است: ﴿وَ الْقَمَرُ إِذَا اتَّسَقَ لِتَرْكَبَهُ رَبَّكَ عَنْ طَبْعٍ فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ (انشقاق / ۱۸-۲۰)؛ «و سوگند به ماه آنگاه که بدر کامل می‌شود که همه شما پیوسته از حالی به حال دیگر منتقل می‌شوید (تا به کمال برسید) پس چرا آنان ایمان نمی‌آورند؟».

از دیدگاه دکتر طاهر القادری قسم یاد کردن به ماه نشان می‌دهد حقیقتی که بعد آن بیان می‌شود متعلق به ماه می‌باشد و «لترکبن» جمع و به معنای سوار شدن است و جمع حداقل از سه نفر تشکیل می‌شود که همان تعداد فضانوردان ماه می‌باشد که از یک «طبقه» زمین به «طبقه دیگر» (ماه) منتقل شدند و حکمت استفاده از واژه «طبقه» برای این است که سفر به فضا منحصر در ماه نیست و برای بیان امکان سفر به سیارات دیگر نیز می‌باشد (طاهر القادری، اسلام اور جدید سائنس (قرآن و علم جدید)، ۲۰۰۱: ۲۲۵).

بررسی

بعضی گفته‌اند که منظور قرآن، همان سفرهای فضایی است که دانشمندان علوم تجربی، امروزه به آن دست یافته‌اند و منظور رسیدن به سیارات دیگر است. بر این مبنا می‌توان گفت، قرآن قرن‌ها قبل از علوم، انسان را دعوت به مسافرت به فضا کرده است (الخطیب، اضاءه من القرآن علی الانسان، ۱۳۶۲: ۲۵۰). برخی دیگر منظور آیه را بیان عجز انسان تفسیر کرده‌اند؛ چون نفوذ از اقطار، همانا داخل شدن در کره زمین و خارج شدن از طرف دیگر آن است که موجب برخورد با مواد مذاب داخل زمین می‌شود؛ از این رو، به دنبال آیات می‌فرماید: ﴿يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شَوَاظٌ مِّنْ نَّارٍ وَنَحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ﴾ (رحمن / ۳۵)؛ «بر سر شما شراره‌های آتش و مس گداخته فرو می‌آورد و یاری نمی‌شوید». اما منظور از نفوذ در آسمان‌ها عبور از خورشیدها، ستارگان و غبارهای کیهانی است که شدت سوزاندن آنها زیاده‌تر است، ولی سفر به ماه، مریخ و زهره به معنای نفوذ در آسمان‌ها نیست (الفندی، السموات السبع، بی‌تا: ۱۲۵-۱۲۶).

گروهی گفته‌اند که «سلطان در آیه به معنای برهان است و به معنای قدرت نیست؛ زیرا آیه در مقام تحدی و تعجیز است و با توجه به رد انتصار (کمک رساندن) در آیه، معلوم می‌شود منظور سفرهای فضایی نیست» (ابو حجر، التفسیر العلمی فی المیزان، ۱۴۱۱: ۴۳۴-۴۳۷).

طبرسی در تفسیر مجمع البیان این آیه را به معنای فرار از مرگ گرفته است و این معنا را که «فقط با قدرتی که خداوند بدهد، می‌توانید از اطراف زمین و آسمان‌ها فرار کنید» به عنوان یک قول ضعیف نقل می‌کند و سپس خود وی عدم امکان فرار را می‌پذیرند (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۹۵: ۹/ ۳۱۰).

مفسر تفسیر نمونه چهار احتمال برای معنای آیه ذکر می‌کند:

(الف) مربوط به قیامت است که انسان نمی‌تواند از چنگال عدالت الهی فرار کند.

(ب) منظور دنیا و سفرهای فضایی است.

(ج) هم اشاره به رستخیز و هم اشاره به دنیاست؛ یعنی نه در دنیا قادرید به اقطار آسمان نفوذ کنید و نه در قیامت قادرید.

(د) منظور نفوذ فکری و علمی در اقطار آسمان‌هاست که با قدرت استدلال برای بشر امکان‌پذیر است.

سپس معنای اول را ترجیح می‌دهد و می‌گوید بعضی اخبار مؤید آن است (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۳: ۲۳/ ۴۹).

با توجه به مطالبی که عنوان شد، تطبیق آیه مورد بحث با سفر به فضا و فضانوردان آمریکایی صحیح نمی‌باشد، علاقه به علمی نشان دادن قرآن گاهی چشم انسان را بر روی نظریه‌های دیگر می‌بندد. نیز اگر مفسران دیگر مثل تفسیر نمونه، متذکر همه نظریات می‌شدند و سپس نظر قوی‌تر را انتخاب می‌کردند، تفسیر علمی آیه، مخدوش نمی‌شد و آنان نیز دچار تطبیق و تحمیل علمی و شخصی بر قرآن نمی‌شدند (رضایی اصفهانی، در آمدی بر تفسیر علمی قرآن، ۱۳۷۵: ۴۵۱).

۱۱. بیضوی شکل بودن زمین

در منظومه شمسی تنها در زمین امکان حیات فراهم است. زمین نمونه‌ای از آفرینش خداوند است که در آن هزاران هزار نعمت واقع شده است (طاهر القادری، اسلام اور جدید سائنس (اسلام و علم جدید)، ۲۰۰۱: ۲۹۶-۲۹۷). برخی از ویژگی‌های زمین را خداوند در آیات قرآن بیان نموده است (مؤمنون / ۱۹-۲۲). دکتر طاهر القادری بیان می‌دارد که آیات قرآن به گرد نبودن زمین و بیضوی شکل بودن آن اشاره دارد (همان، ۳۰۰): ﴿وَالْأَرْضُ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا﴾ (نازعات / ۳۰)؛ «و زمین را بعد از آن بیضوی شکل گرداند».

بررسی

در کتب لغت برای «دحو» دو معنای عمده «گسترش دادن» (اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ۱۳۸۴: ۳۰۸؛ فیومی، مصباح المنیر، ۱۴۰۵: ۱۹۰ و ابن فارس، مقاییس اللغة، ۱۴۰۴: ۴۳۴) و «حرکت دادن [غلطاندن]» (فیروز آبادی، قاموس المحيط، ۱۹۹۱: ۴/۴۷۳؛ ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ۱۴۰۴: ۴۳۴؛ راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ۱۳۸۴: ۳۰۸) ذکر شده است. بسیاری از دانشمندان با ذکر این نکته که واژه «دحیة» در زبان عربی به معنای تخم مرغ است، «دحو الارض» را به معنای «تخم مرغی قرار دادن زمین» دانسته و آیه شریفه را بیانگر شکل زمین می‌دانند (ماردینی، موسوعة الاعجاز العلمی فی القرآن، بی‌تا: ۸۸؛ کامل، اعجاز العلمی فی الاسلام، ۱۴۱۷: ۷۹؛ عبدالحلیم، الموسوعة العلمیة فی الاعجاز القرآنی، بی‌تا: ۳۵)، ولی واژه «دحیة» در هیچ یک از کتب لغت معتبر به معنای تخم پرنده نیامده است و کسانی هم که این معنا را از کتب لغت نقل کرده‌اند، هیچ گونه منبع و آدرسی ذکر ننموده‌اند. بلکه فقط در بعضی از کتاب‌های لغت به لانه برخی پرندگان که بر روی خاک آشیانه می‌سازند، «أدحی» گفته شده که آن هم به این سبب است که آن پرنده هنگام ساختن لانه، سنگ ریزه و خاک‌ها را با پنجه خود به اطراف پرتاب نموده و محل تخم‌گذاری خویش را پهن و گسترده می‌نماید؛ لذا اگر در جایی واژه «دحیة» به تخم پرنده اطلاق شده است، واژه‌ای غیر فصیح است هم‌چنان که برخی دانشمندان به این نکته اشاره کرده‌اند. بنابراین، تعبیر «دحاها» نمی‌تواند به معنای «آن را تخم مرغی شکل قرار داد» باشد. اما اگر «حرکت دادن» را معنایی برای ماده «دحو» در این آیه بپذیریم، هر چند حرکت زمین از آن قابل فهم است، و از نظر علمی اثبات شده است که شکل کروی زمین در نتیجه حرکت وضعی آن است ولی بعید است که آیه به این مسئله، مستقیماً اشاره داشته باشد. و در صورتی که غلطاندن را معنای مقبولی برای ماده «دحو» در آیه شریفه بدانیم، شاید اشاره‌ای به کرویت زمین داشته باشد؛ زیرا بیشتر اشیا کروی قابل غلطاندن می‌باشند (مسترحمی، قرآن و کیهان‌شناسی، ۱۳۸۷: ۱۸۴).

نتیجه

مراد از اعجاز علمی آیات قرآن آن دسته از آیاتی است که دال بر رازگویی علمی باشد یعنی از اخبار غیبی بوده و در زمان نزول قرآن آن مسئله مطرح نبوده و بعدها کشف شود. با توجه به بررسی دیدگاه دکتر طاهر القادری در تفسیر علمی آیات قرآن که قائل به وجود تمام علوم و فنون در قرآن هستند، به دست می آید که بیشتر مواردی که ایشان آن را به عنوان مطلب علمی پذیرفته‌اند، مربوط به شگفتی‌های علمی یا تحمیل نظریه‌های علمی بر قرآن می‌باشد.

با توجه به شرایط اعجاز علمی، مورد صحیحی که ایشان در ارتباط مطالب علمی قرآن بیان کرده‌اند بحث حرکات خورشید است و مطالب ایشان در ارتباط با انفجار بزرگ، مراحل شش‌گانه خلقت، گسترش جهان، آسمان‌های هفت‌گانه، تاریک شدن ستارگان و نور ماه از شگفتی‌های علمی قرآن می‌باشد.

موارد غیر صحیح در دیدگاه ایشان که تطبیق و تحمیل نظریه‌های علمی بر قرآن می‌باشد، مطالب مربوط به سیاه چاله، سیاره، سفر به ماه، بیضوی شکل بودن زمین می‌باشد.

منابع

۱. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
۲. اصفهانی، راغب، مفردات الفاظ القرآن، ذوی القربی، قم: ۱۳۸۴ش.
۳. امیدیانی، سید حسین، فیزیک ستارگان در قرآن، مجله بینات، قم: مؤسسه معارف اسلامی امام رضا (علیه السلام) شماره ۳۵، ۱۳۸۱ش.
۴. پاک‌نژاد، سیدرضا، اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، نشر کتاب‌فروشی اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۵۰ش.
۵. الجائی، سلیم، النظرية القرآنية الكونية حول خلق العالم، دمشق، مطبعة نصر، بی‌تا.
۶. جعفری، عباس، فرهنگ بزرگ گیتاشناسی، نشر گیتاشناسی، چاپ چهارم، ۱۳۷۹ش.
۷. حسن‌نژاد، محبوبه، «علم زمین شناسی از دیدگاه قرآن»، تبیان شماره ۳۵.
۸. الخطیب، عبد الغنی، قرآن و علم امروز، ترجمه دکتر اسد الله مبشری، تهران: مؤسسه مطبوعاتی عطائی، ۱۳۶۲ش.
۹. الخطیب، عبد الغنی، اضواء من القرآن علی الانسان و نشأه الكون والحیاه، دمشق: مکتبه دار الفتح، ۱۳۹۰ق.
۱۰. راتب النابلسی، محمد، موسوعة الاعجاز العلمی فی القرآن و السنة (آیات الله فی الافاق)، بی‌جا، نشر دارالمکتبی، ۱۴۲۵ق.
۱۱. رازی، فخر الدین، تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۱ق.
۱۲. رضایی اصفهانی، محمدعلی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، انتشارات مبین، ۱۳۸۱ش.
۱۳. رضایی اصفهانی، محمدعلی، تفسیر قرآن مهر، قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۷ش.
۱۴. رضایی اصفهانی، محمدعلی، درآمدی بر تفسیر علمی، قم: اسوه، ۱۳۷۵ش.
۱۵. رضایی اصفهانی، محمدعلی، علوم قرآن ۲ (اعجاز قرآن در علوم طبیعی و انسانی)، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی، ۱۳۹۲ش.
۱۶. رضایی اصفهانی، محمدعلی، اعجازها و شگفتی‌های علمی قرآن، قم: انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۹ش.

۱۷. سلیمان، احمد محمد، القرآن و العلم، بیروت: دار العوده، چاپ پنجم، ۱۹۸۱م.
۱۸. سید قطب، فی ظلال القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ پنجم، ۱۳۸۶ق.
۱۹. شریف، عدنان، من علم الفلك القرآنی، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۹۹۳م.
۲۰. شهرستانی، سید هبة الدین، الاسلام و الهيئة، ترجمه: سید هادی خسرو شاهی، تهران: شرکت سهامی انتشار، بی تا.
۲۱. طاهر القادری، محمد، اسلام اور جدید سائنس (اسلام و علوم تجربی جدید)، لاهور، منهج القرآن پبلیکیشنز، ۲۰۰۱م.
۲۲. طاهر القادری، محمد، تخلیق و توسیع کائنات کا قرآنی نظریہ، (نظریہ قرآنی خلقت و گسترش جهان)، لاهور، ۲۰۰۴م.
۲۳. طاهر القادری، محمد، تفسیر منهج القرآن، لاهور، انتشارات منهج القرآن، پیبیکیشنز، ۲۰۰۵م.
۲۴. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۷۹ش.
۲۵. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، المکتبه الاسلامیه، چاپ پنجم، ۱۳۹۵ق.
۲۶. طنطاوی جوهری، الجواهر فی تفسیر القرآن، دار الفکر، بی تا.
۲۷. عبد الرحمن العک، شیخ خالد، الفرقان و القرآن، سوریه، الحکمة للطباعة و النشر، ۱۴۱۴ق.
۲۸. عمر ابو حجر، احمد، التفسیر العلمی للقرآن فی المیزان، بیروت- دمشق، دار قتیبه، ۱۴۱۱ق.
۲۹. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحیط، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۹۱م.
۳۰. فیومی، محمد بن علی، المصباح المنیر، قم: دار الهجره، ۱۴۰۵ق.
۳۱. کتاب مقدس، بیروت، دار المشرق، چاپ سوم، ۱۹۹۴م.
۳۲. محمد سامی، محمد علی، الاعجاز العلمی فی القرآن الکریم، دمشق: دارالمحبه، بی تا.
۳۳. محمد کامل، عبدالصمد، الاعجاز العلمی فی الاسلام، مصر: نشر دارالمصریه، چاپ چهارم، ۱۴۱۷ق.

۳۴. مسترحمی، سید عیسی، اعجاز نجومی قرآن، مجله قرآن و علم، قم: جامعه المصطفی العالمیه، شماره ۷، ۱۳۸۹ش.
۳۵. مسترحمی، سید عیسی، قرآن و کیهان‌شناسی، قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۷ش.
۳۶. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ بیست و ششم، ۱۳۷۳ش.
۳۷. نصر، سید حسین، علوم و تمدن در اسلام، ترجمه احمد آرام، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۴ش.

38. www.minhaj.org

39. www.minhajbooks.com